

مونی موس ستاره شام ( مونییم یعنی نیکوکار ) است (۱) این دو مصاحب محترم آفتاب یعنی اریروس و مونی موس بقیده موسیو دوسو و اریروی نام ( فوسفوروس ) و ( هسپروس ) (۲) میباشد و که در تصویر ساری های ( یونانی و شرقی ) بعضی تصاویر یونانی شکل ، شرقی ، ستاره صبح و ستاره شام را نیز معرفی میکند . موسیوشا پوتیه (۳) تبصره مینماید که ما بین این فرشتگان و دیوسکور ها یعنی راهبان منقوشه با اطراف سریان قدیم - فاصله خیلی جزئی و غیر محسوسی موجود است . کاستور و پولوکس نیز ستاره بر سر دارند و یلان لررانی بر گردن شان بسته است . همچنانکه شعاعه چراغ قیله منقوشه در دست دیوسکور های قدیمی گاهی حم و گاهی بی ماده می شود بویک نیزه های آنها گاهی بسوی آسمان بالا و گاهی بسوی زمین پائین می آید . یکی از آنها که فوسفوروس نامند - چنان معلوم می شود که گویا می خواهد سحر را بدست بگیرد . این دو شخص که در کبیر و ( سوریه ) شاخته شده . مثل مصاحبین عقاب مقام و ساد و خوشه سگین در دست دارند . و نیز طبیعی است که در عالمیکه شرق دران . قوانین خود را بطور وسیعی منتشر ساخته . سایه سیاه را در آرضیت مهتاب را مابین دیوسکور ها پیدا کرده است . دیوسکور ها در جاهای مختلف نشان داده شده . بعضی اوقات مارب النوع آفتاب نیز همراه می باشد .

(۱) رساله یادداشت های علم الهیات سور یا « تالیف اریروس در مورد اریروس و موبوس همراهان رب النوع آفتاب مجله عتیقه ستاسی ۱۹۰۲ - ۱ - ۱۰۰ - ۱۰۱  
 (۲) *Revue Archéologique*, t. 18, p. 100, 101, 102, 103, 104, 105, 106, 107, 108, 109, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 116, 117, 118, 119, 120, 121, 122, 123, 124, 125, 126, 127, 128, 129, 130, 131, 132, 133, 134, 135, 136, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149, 150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 167, 168, 169, 170, 171, 172, 173, 174, 175, 176, 177, 178, 179, 180, 181, 182, 183, 184, 185, 186, 187, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198, 199, 200, 201, 202, 203, 204, 205, 206, 207, 208, 209, 210, 211, 212, 213, 214, 215, 216, 217, 218, 219, 220, 221, 222, 223, 224, 225, 226, 227, 228, 229, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 840, 841, 842, 843, 844, 845, 846, 847, 848, 849, 850, 851, 852, 853, 854, 855, 856, 857, 858, 859, 860, 861, 862, 863, 864, 865, 866, 867, 868, 869, 870, 871, 872, 873, 874, 875, 876, 877, 878, 879, 880, 881, 882, 883, 884, 885, 886, 887, 888, 889, 890, 891, 892, 893, 894, 895, 896, 897, 898, 899, 900, 901, 902, 903, 904, 905, 906, 907, 908, 909, 910, 911, 912, 913, 914, 915, 916, 917, 918, 919, 920, 921, 922, 923, 924, 925, 926, 927, 928, 929, 930, 931, 932, 933, 934, 935, 936, 937, 938, 939, 940, 941, 942, 943, 944, 945, 946, 947, 948, 949, 950, 951, 952, 953, 954, 955, 956, 957, 958, 959, 960, 961, 962, 963, 964, 965, 966, 967, 968, 969, 970, 971, 972, 973, 974, 975, 976, 977, 978, 979, 980, 981, 982, 983, 984, 985, 986, 987, 988, 989, 990, 991, 992, 993, 994, 995, 996, 997, 998, 999, 1000

(۲) کتاب قبل الذکر اثر ار - دیو سو صفحه ۱۲۹ .

(۳) کتاب قبل الذکر اثر فرنان شا پوتیه صفحه ۲۷۸ - ۲۷۹ .

که دور آن را اشعه احاطه کرده - در يك سنگ حکاکی شده که در ضمن مجموعه آثار ( کادس ) و بواسطه موسیو شاپوتیه نشر شده ( شکل ی ) ( ۱ ) بد و طرف رب النوع آفتاب دو دیو سکور یعنی راهب را نشان میدهد - ماه به این مسئله اکتفا نمیکنیم که بالای سر و تندیده ها ستاره گان نمایش داده شده است



( شکل ی )

بلکه ماهم مثل موسیو شاپوتیه از خود می پرسیم که از روی کدام صفت این دو ستاره یافت این را پیدا کرده اند که گاهی همراه آفتاب و گاهی همراه مهتاب میباشند؟ موسیو شاپوتیه تبصره مینماید که « مصومی را که ما به کاستور و پولوکس در آسمان اسکندر به دادیم ، میتوان مفهوم منور را همیشه برای آنها حفظ کرد . ماهتاب در میان دو ستاره نو آیین چه معنی دارد ؟

آیا دیو سکور ها در ستاره های دیگر جای نگرفته اند ؟

فقط از حواشی ، افسانه قدیم که مربوط به این شخصیت های مذهبی است انسان فکری در پیش خود قائم کرده میتواند معلوم است که چگونه این دو برادر ( کاستور و پولوکس ) که خیلی بهم مربوط میباشند ، ماهم فیصله کرده نتوانسته اند که تنها یکی از آنها از مردن مبرا باشد . رمایکه کاستور ( پسر جوپتر ) از طرف آوار میتیده ها مغلوب واقع شد ، پاولوکس ( پسر زوس ) استغاث نمود که برادر دو گانگی او را اروا جدا نکنند . جوپتری می آریاب برکت انواع تصمیم گرفت که این دو برادر به نوبت يك روز را در زمین و يك روز را به آسمان بگذرانند . این نوبت دو سکورها در یکی از اشعار اودیسه ( یونانی ) نیز ذکر شده است . چنان میباشد ، که شعرا این معاهده هم دو برادر را باشکال مختلف احساس کرده بعضی این تفریق را خاص نمضد یکی - س حتی دو برادر

( ۱ ) کتاب فوق الذکر اثر فرنان شاپوتیه صفحه ۲۷۱ شکل ۴۶ - ما از موسیو شاپوتیه اظهار تشکر میکنیم که تصویر - ک و تصویر مندرجه صفحه ۴۶ را در اختیار ما گذاشته است .

دانسته ، میگویند که هر دو برادر - بنوبت دو روز را نزد « مستمر » ها و دو روز را در منزل « هادس » (پلوتون) میگذرانند . اکنون همین افسانه را بکلمات علمی افاده مینمائیم : اساطیر مزبور مربوط یکی از اجرام سماوی دوگانه کی یعنی دو ستاره پهلو په پهلواست که پهلو په پهلو طلوع کرده و همان طور پهلو په هم در دامان افق غروب میکنند . اما در زمانه های مابعد (۱) بطور قطع این افسانه مذهبی قدیم طوری دیگری نمایش داده شده و بدون آنکه خواهش پولوکس را مد نظر گرفته باشند و یا در حالیکه خواهش مذکور را خیلی کم مراعات کرده اند ، هر دو برادر دوگانگی موصوف را در حالیکه علیحدہ علیحدہ هر يك در یکی از دو محل مزبور توقف دارد ، نشان داده اند . و مطابق تناقضیکه در اساطیر مذهبی قدیم بکثرت دیده میشود ، دو برادر دوگانگی مذکور بجدائی ابدی گرفتار شده ، هر کدام شان در یکی از عوالم دوگانه یعنی زمین و آسمان «قی مانده اند . و هر گاه

بخواهیم باز مثل فوق - افسانه قدیم را با کوائف سماوی تطبیق بدسیم - باید این دو ستاره توأمین را دو ستاره درخشان یعنی یکی را روز ، دیگر را شب بدانیم (۲) ملاحظات فوق و یاد داشتی که در حاشیه این صفحه درج است (۳) تا تأیید میکند که مابین افسانه های ضربی (۱) در اینجا یاد داشت منضمه مضمون موسبو شاپوتیه ( یاد داشت ۴ - صفحه ۲۷۲ ) از لحاظ اهمیت آن باید ذکر کرده شود . « راجع به تعبیر آن در زمان نوسیان هیچ شك و شبهه باقی نیست *cf. Dial Deor. 26. . hygin poet astr. II23* افسانه را باین صورت تعبیر میکنند : *itaque alternis die bus eorum quemque lucere.* چیست ؟ آیا وجود آن اسپانیایی اعتراف میدکند که گاهی سیاه و گاهی سفید شده و دیوسکور هائی که بالای ظرف قاشی شده ، بآن ضربین میباشند ؟ *cf. Panofka, the Roy. Soc. Lit.* موزه خانه بلا کاس تصویر ۲۸ و « ترجمه انجمن شاهی ادبیات » سلسله دوم جلد ۴ صفحه ۲۸۹ .

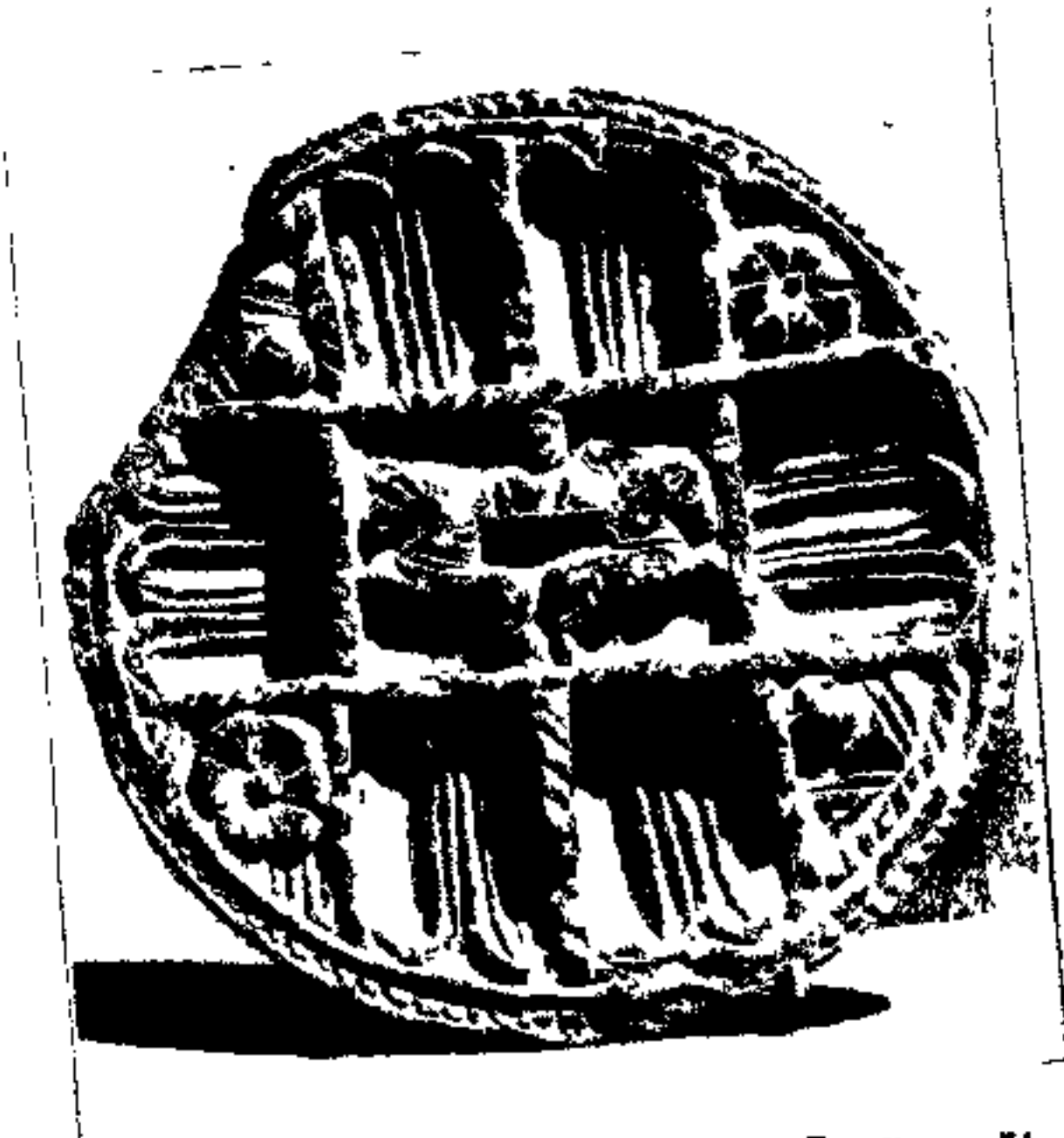
(۲) کتاب سابق الد کر تالیف شاپوتیه صفحه ۲۷۱-۲۷۲ .  
(۳) مقابله « یاد داشت ها راجع به الهیات سوریا » تالیف از - دو سو فقرة ۲ ( ازی زوس و مونی موس بدو طرف رب النوع آفتاب ) منشره در مجله عتیقه شناسی فرانسه ۱۹۰۳-۱۹۰۴ صفحه ۱۲۹ « ستاره صبح نیز در نزد اعراب یکی از بزرگان جنگی مذکور بوده ، و برای آن يك قسمت از غنائم را قربانی میکردند کلمه « ازیر » یعنی قوی مخصوصاً مناسب داشته و از این رو تسمیه ( زولین ) که ستاره صبح را مریخ تصور کرده بدرستی اثبات میشود ، و ستاره شاه طوریکه بسا اوقات بحال اقول دیده میشود ، « مونیوم » ( نیکو کار ) میباشد که در تعریف یونانی *Deo Puero Bono* *Phosphoro* متابل کلمه « بونوس » است . همچنین ملاحظه شود حاشیه شاپوتیه در کتاب سابق الد کر و صفحه ۲۷۲ نمره ۲ .

و آثار یکم مطابق افسانه های مذکور - ساخته شده و بنای سنگی کوتل خیرخانه شباهت و نزدیکی موجود میباشد مثلاً منشی ریش داریکه يك طرف بالوع آفتاب قرار گرفته با پوست تیره رنگ خود - ممکن است پری شوم را نشان بدهد که این پری تاریک در وقتیکه شخص نورانی یعنی مرد جنگی یا پری روز - آمدن صبح را اعلام میکند - در حال خاموش شدن میباشد . آباء اسپهائی که گاهی سیاه و گاهی سفید جلوه کرده دیوسکورها ( هیاکل رهبانان ) راریس بخشیده ، (۱) همین وضعیت آنها به حالت منشی ریش داریکه رنگ و مرد جنگی نورانی بنای کوتل خیرخانه - شباهتی ندارد ؟ این ملاحظات و تفصیلاتی که داده شد - در نظر ما نزدیک ذیل را مجسم میسازد :

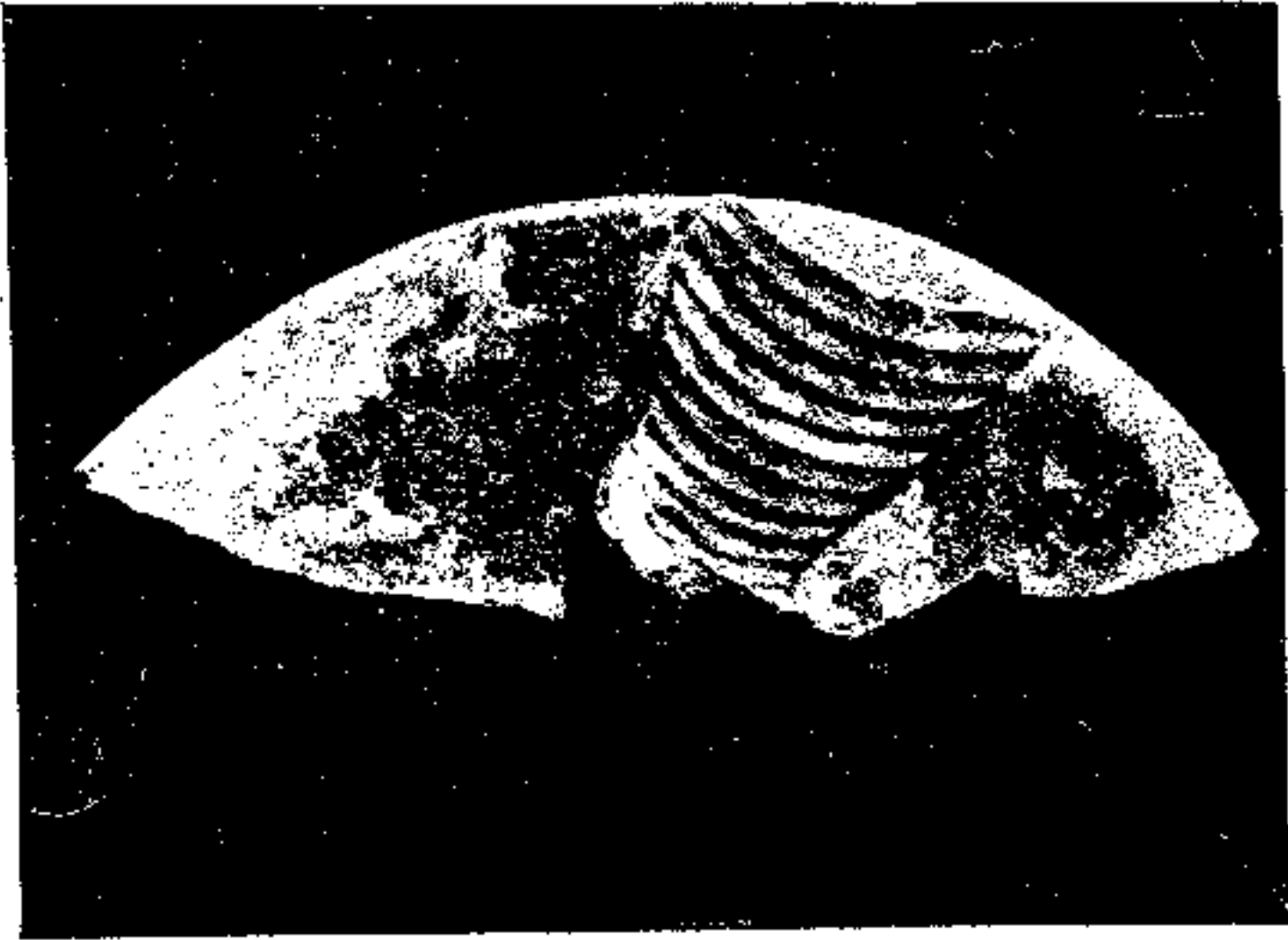
الف : اری روس - فوسفوروس - کاستور - دندا - ب : - مویدهوس - هسپروس - پولوکس - پنگالا که اینها باهم نزدیک میباشد - ولی پران که یکی ستاره صبح ( فوسفوروس ) و دیگر ستاره شام ( هسپروس ) دانسته شده - خصوصیات انفرادی آنها با اندازه خصوصیاتی که کاستور و پولوکس را ازهم امتیاز میدهد - عیبی باشد - فوسفوروس - هسپروس - کاستور - پولوکس در بسیاری از تصاویر و هیاهائی - اشکال اشخص حواییکه ریش ندارند نشان داده شده و تنها در حال نمایش دادن و پیکار با متیبار ریش دار بودن دندا مراسم گردیده است - علاوه برین - باید تذکار نمود که اشیائی که در دست فوسفوروس و هسپروس ( چراغ سر بالا و چراغ سرپائین ) و کاستور و پولوکس ( نیزه ایستاده و بعضی اوقات نیزه روه آسمان و نیزه روه زمین ) وجود دارد - از اشیائی که در دست پنگالا میباشد ( قلم نی و کتاب ) فرق دارد و در اینجا باید تذکار نمود که در دست پنگالا یکم خود گرفته است که هیچ استی به قلم نی و کتاب ندارد - اما در دست او اگر چه تصاویر و هیاهاکل قدیمی هیچگهی در دست او قرار نگیرد - اما در دست او قرار گرفته شاپوتیه باید تذکار نمود که در همان - در دست او قرار گرفته است -

دو ( دیوسکور ) را یکی ریش دار و دیگری - در دست او - مثل تصاویر روی

(۱) ملاحظه شود حاشیه سره ۲ صفحه ۳ - این کتاب



۲۶ - رب النوع آفتاب ( از سنگ آبی ) مکتوبه از حوالی جلال آباد



۳۳ - تکه از هاله رب النوع ( سرسره )



۳۴ - تکه يك سنگ سايه منقوش

صندوق ( کبک سلوس ) ، و موسیو شاپوتیه که همین بی قاعدگی را در یکی از حجاریهای برجسته سپارت ( یونان ) نیز کشف کرده در دنبال گفتار خود چنین مینویسد : این اختلاف در مر بیان کبیر ها (۱) بصورت واضح تری مشاهده میسرید :

دیو سکور های منقوشه در سر قبر ( آریس ) یا مجسمه کوچک ( وین ) هم مثلی مر بیان ( سامو تراس ) دوشکل مختلف را نشان میدهند یعنی یک طرف شخص فنا پذیری نشان داده شده که آثار تغییرات عمر در او بوضوح نمودار است و رو بروی آن شخص دیگری نمایش یافته که همیشه جوان و شبیه رب النوعان میباشد . همین علامات در دیو سکور های جدید دو گانه یعنی ( هادری ) و ( آتینوس ) نیز مشاهده میسرید . وقتیکه قبصر ( سزار ) از سفر های طولانی خویش باز گشت . در آخر عمر خویش - آن جوان رعنائی را تماشا کرد که از ریمان شباب خود سرشار و ستاره جوانی در آسمان انتظار او را داشت . (۲)

کبیر بی ریش و کبیر آریس داره در یک سلسله مسکوکات نزدیک قرن سوم - یعنی مشاهده میسرید (۳) ، ( شکل ک ) و نیز هر دو کبیر در صندوق های مرمری که

بلا شک از سقف معبدی بدست آمده - ملاحظه رسیده اما در اینجا یک شکل سوم نیز همراه شان نقش یافته است .



یکی از اسیارب النوع جوانی را بشکل نیم رخ نشان میدهد

که موهای انبوهش گوش و

( شکل ک )

یک قسمت رخسارش را پوشانیده است ، کبیر دومی عبارت از یک سر ریش دار است

(۱) « کبیرها رب النوعان بزرگ سامو تراس بودند که پسانها بعبث دیوسکور ها شناخته و بهمان حیث در تصاویر نمایش داده شدند و چهره شان نیز بلافاصله درین اوقات واضح تر گردید » کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۱۱ - مقدمه کتاب .

(۲) کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۳۲۶ نیز ملاحظه شود صفحه ۲۲۲ همین کتاب

« دیو سکور های اسکندریه بشکل ( آتینوس ) و ( هادری ) نشان داده شده است . »

(۳) کتاب سابق الذکر شاپوتیه صفحه ۱۷۵ شکل ۱۵ .

که رو برو نمایش داده شده و زلفانش زنگوله وار بشکل متناسبی بدو طرف سرش آویزان میباشد . اگرچه علامات مشخصه ؛ ناقص است ، باز هم از خواندن تشریحات فوق بلافاصله فکر انسان بطرف روس ( ژو پتر ) و ( هر مس ) متوجه و این دو شخص مذهبی درین وقت ، همان صورتی پیش نظر جلوه میکنند که حکمران قدیم عادتاً آنها را نمایش داده اند . ( ۱ ) ، از اینجا ما ، علامات مشترکی مابین مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه و دیوسکور ها و کبیر هائی که در هیکل سازی قدیم غربی باطراف رب النوعان نمایش داده میشدند . بدست می آوریم . چنانچه وضعیت مخصوص سر پنگالا و دندا ( شکل و . تصویر ۱۴ ) در بعضی از دیوسکور ها هم ملاحظه میرسد . برای آنکه راجع به نزدیکی وضعیت این هیکل قساعت کلی حاصل شود . تنها ملاحظه دایره المعارف روم شرقی ( ۲ ) کفایت میکند ( جلد اول حصه اول ) دایره المعارف مو صوف چین مینویسد : « بحث مادر سر یک باریکی هیکل سازی است که قنبار زمانه قبل و بعد از سلطنت اسکندر . روی کار آمده و تثبیت یافته . راجع به وضعیت سر . در آن زمانه چنان يك نمونه معینی معمول گردیده بود که بعضی باریکی های آن با نمونه مابعد و شور خورده روس ( ژو پتر ) شباهت زیاد داشت . قسمت زیرین پیشانی برجسته و موها از حد پیشانی بطرف پشت سر قات شده و از آنجا زنگوله وار پائین افتاده بود چشمها درشت و بمانند چشمان هیلوس پیش از انداره مار بوده بطرف بالا و کمی هم به پهلو نگاه میکرد . سر بنامها . کمی بطرف قدامتایل بوده که از روی آن انسان گمان میکنند که وضعیت عمومی شخص زحمت میباشد ( ۳ ) . بوضوح مشاهده میکنیم که وضعیت دندا و پنگالا نیز همین قرار است ( تصویر ۱۴ ) چنانچه تمایل سر بطرف عقب از نگاه مایل آنها که بسوی بالا متوجه می باشد . بخوبی استنباط می شود که

( ۱ ) کتاب سابق الذکر شایسته صفحه ۱۷۷ - ۱۷۸

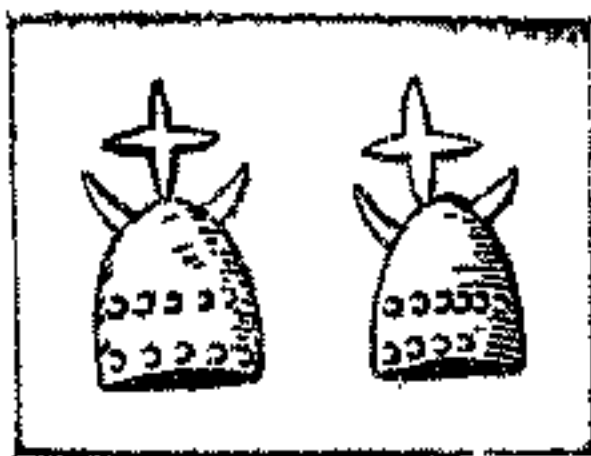
( ۲ ) دایره المعارف دلبیو - ایچ - روشر ، W. H. Roscher : Ausführliches Lexikon der Griechischen und Römischen Mythologie

جلد اول قسمت اول - صفحه ۱۷۵ ( ۳ ) دایره المعارف روشر جلد ۱ - قسمت اول صفحه ۱۱۷۲ .



از اثر همین پهنیست سر - در کمر خمیدگی بوجود آمده است کل دیوسکورها صوماً  
 و در آغاز قرن سوم قبل از میلاد به بعد (عبارت است از کلاه مخروطی شکل (۱) که به نسبت کلاه  
 معاونین رب النوع آفتاب هو مارا ( شکل ۸ ) و منشی ریش دار ( پنگالا کوتل خیرخانه  
 قدری دراز تر بوده . ولی ما وجود این نزدیکی تردید ناپذیری در بین این کلاه های  
 مختلف موجود میباشد . از روی این مجموعه مشابه هم که در سطور فوق تذکار گردید  
 اگر نتوانیم که بطور قطع مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه را عبارت از  
 دیوسکورها و کیر های منقوشه در هیا کل قدیمی غربی ، بدانیم ، کم از کم اینقدر  
 فیصله کرده میتوانیم که مابین مصاحبین کوتل خیرخانه و دیوسکورها و کیرهای غربی

(۱) دیوسکورها در پشت بعضی از مسکوکات با کتر یا ئی ( بلخی ) هندی و یونانی ( اندوگر یک ) هندی  
 و پارتی ( اندویارت ) یا بشکل سواران تیرانداز نمایش داده شده ( سکه چهار گوشه قره سلسله اوکراتید  
 های بلخی و مسکوکات مفرغی سلاطین مزبور ) یا بشکل دو کلاه مخروطی شکل هم شکل موسوم به پیلی  
 Peilei معلوم است ( ملاحظه شود کتاب سابق الذ کرموسو شایو تیه صفحه ۲۸ شکل ۵۳ ) که در  
 فرق این کلاه ها علامتی بشکل هلال و ستاره موجود میباشد ( لوحه فلزی سا باز یوس - موزه  
 کوپنهاگ ) مسکوکات چند گوشه اوکراتید های



( شکل ق )

بلخی که عبارت از قفل پسته این نمونه و بنام ( لبا  
 کا کوسولیا ) ضرب شده همان علامت را بشکل  
 بسیار خورده شده نشان میدهد که بشکل زینت نوك  
 نیز فرق کلاه بنظر رسیده ، شباهت کمی با دکه  
 نوك کلا پنگالا دارد ( تصویر ۱۴ ) ، مسکوکات  
 پسته تر شاهان سلسله آفتاب لیداس ، و ارشی بیوس  
 یک علامت بسیار عجیبی را ارائه میکند  
 که عبارت است از دو کلاه هم شکل که در فرق آن علامت سه گوشه نصب بوده ، علامت مزبور  
 همان نوك های هلالی و ستاره فوق الذکر را بخاطر خطوط میدهد . کتاب کبرج هستری آف  
 اندیا - جلد اول تصویر ۳۰ ب Cambridge History of India اوکراتیدس ، دیوسکور  
 های تیر انداز تصویر ۴۹ - ۸ ( اوکراتیدس سکه مفرغی ، دیوسکور های تیر انداز ) ۴۱  
 اوکراتیدس کلاه پیلی یک دکه ( ۴۲ ) ( لبا کا کوسولا کا کلاه پیلی یک دکه ئی ) ۴۳  
 آفتاب لیداس ، کلاه پیلی سه دکه ، ۴۴ ( ارشی بیوس کلاه پیلی سه دکه ئی ) .

قرابت زیادی وجود دارد . بالجمله این کیفیت را هم از نظر نیندازیم که دیوسکورها بحث « راهنا » محسوب میشوند . موسیو شاپوتیه در کتاب معروف خود چنین منویسد « این دو نفر راه راست را نشان میدهند و مخصوصاً امتیازیکه بر دیگران دارند عبارت از اینست که روز سره در امتداد راهیکه باید تعقیب کرد ، رفت و آمد میکنند و هر روز کاستور و پولوکس از « زینه ستارگان » بالا میروند و هر روز در آن جائیکه مرگ بر ما فرار شد ، یقین داریم که با آنها مقابل خواهیم شد و فاصله بین رفت و آمد آنها علامت انتقال مرده است به زندگی جدید (۱) « موسیو شاپوتیه بدون تردید حالات دو گانه را که بعضی وقت دیوسکورها بخود میگیرند (دیوسکور ریش دار و دیوسکور های بی ریش) عبارت از یک تصویر نوبت مزبور می داند « وظیفه محاسبی ( . . . . ) به کاتب ریش دار تعلق دارد و او است که میزان باقی یا فاضل بودن را که بواسطه آن مقدرات تخیلی ارواح در موقع انتقال از حالتی بحالت جدید ، تعیین میشود ، بر قرار میسازد . بنابراین وظیفه خود مشارالیه ربط قریبی برب النوع آفتاب « هلیوس سیکوپومپ » داشته و وظیفه میانجی گری اش او را اکثر اوقات به (میترا) (۲) نزدیک میگرداند رب النوع آفتاب یعنی قلب جهان ، بقرار عتیقه قدمه مخصوصاً رب النوع مقدر بوده و همچنانکه به نوبت گاهی اجرام سماوی را از خود دور و گاهی بخود نزدیک میساخت ، هماقسم باثر یک سلسله انتشارات و انجذابات در موقع ولادت قوا را در اجسامیکه ترزبق میکرد ، فرستاده و پس از عدم

(۱) کذب ساقی الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۴۲۵ .

(۲) کتاب « یاد داشت ها راجع به الهیات سور یا « فتره ۴ تحت عنوان « هلیوس سیکوپومپ » منتشره در « مجله عتیقه شناسی » فرانسه ۱۹۰۴ - ۱ - صفحه ۱۱۷ راجع به اهمیت که تنها بی مطلقه آفتاب در امتداد دوره یونانی پیدا کرده بود ، ملاحظه شود کتاب تأثیر ادیان شرقی دریت بر سنی رومی ، تالیف اف - کیومون - طبع چهارم که به توجهات موزه خانه آثار شرقیه پاریس ( موزه گیه ) بعمل آمده ، پاریس ۱۹۲۹ صفحه ۱۲۲ - ۱۲۴ -

F. Cumont, les Religions orientales dans le paganisme Romain.  
R. Dussand, Notes de mythologie syrienne (Hélios Psycopompe  
Revue Archéologique.

دوباره قوای مزبور را به پیش خود بالای آورد. (۱) ، وظیفه پنگالا یا منشی که مأمور نوشتن اعمال بوده فهمانده و اثبات یافته نمیتواند مگر در صورتیکه بوجود يك شخصیت بزرگ و پسیکو پومپ ، قانن شویم که بقرار تشریحات فوق در موضوع قوای دسقی دارد و در تأییدات بنای سنگی کوتل خیرخانه ، تنها شخص رب النوع آفتاب صلاحیت پسیکو پومپ را دارد و بس .

### فصل چهارم

در ضمن تشریح حجرات مکشوفه ار کوتل خیرخانه ( حفریات موسیوژان - کارل ) بسوی يك سکوی مرمری اشاره کردیم که بالای آن پا های يك مجسمه بزرگ و پای چپ يك مجسمه کوچک بحال شکستگی هنوز باقی میباشد . این سکوی مرمری در میان لوحه سنگی نصب شده بود که قسمت وسطی کرسی واقع در ته حجرة الف و متصل دیوار ، را پوشانده بود ، ( سوراخ مرکزی جای نصب ) ( تصویر ۱۰ ) - در میان خاک توده که زاویه راست درون همین حجرة الف ( تصویر ۱ - ) را پر کرده بود ، يك مجسمه کوچکی کشف شده که يك نفر معطی ( انعام دهنده ) را بحال تکیه کردن بر يك ستون مدور نشان میدهد ( تصویر ۱۲ و ۱۳ این مجسمه کوچک که پای چپ آن هنوز بالای سکوی مرمری باقی است ، به آسانی بطرف چپ بقایای مجسمه کلان یعنی پاهای شکسته آن ، ( تصویر ۱۳ ) جای خود را اشغال کرده میتواند . پاهای برهنه شکسته (۲) به مجسمه تعلق داشته که یکی از بزرگان مذهبی را نمایش می داد که بلندی قامتش از ۶ ر تا ۶۵ ر ، متر بالغ می شده است . پس بطرف چپ این شخصیت بزرگ شخص

(۱) کتاب فوق الذکر تالیف - اف - کیومون صفحه ۱۲۴

(۲) بزرگی سکوی مرمری : - طول ۳۷ ر ، عرض ۱۲ ر ، بلندی ۱۰ ر ، متر - بزرگی پای مجسمه بزرگ ( تکه آن ) : - طول پای راست ۱۱۴ ر ، عرض پای چپ ۱۱۷ ر ، ضخامت حد بجلک هر دو پا ۴۶ ر ، متر - بلندی انتهائی حد شکسته کنی پای چپ ۷ ر ، متر و از پای راست ۳۷ ر ، متر ،

ریزه اندامی که فوقاً به-وی آن اشاره کردیم (تصویر ۱۳) (۱) طوری ایستاده بوده است که وزن بدنش بالای پای چپش افتاده و به کمر ستونی تکیه کرده بود، چنانچه حال هم پهلوئی راست مجسمه کوچک مذکور به پارچه از ستون وصل میباشد. بند دست راست مجسمه کوچک و یک قسمت از بازوی راست و پای راستش مفقود شده است بازوی چپ از حد شاه شکسته ولی دست چپ باقی و بر دسته شمشیری تکیه دارد (۲) سرش بزرگ (بلندی ۴۵ ر. ارتفاع مجموعی کل بدن ۲۱ ر. متر) موهایش دراز و بواسطه یک رده عمودی از وسط دو شق شده و یک فته موهایش را محکم گرفته است. نوک موهایش بصورت زنگوله های کوچک و کوتاه جلوه میکند (مقایسه کنید بایک مسکوک و اورودس، اول ۳۷ یا ۳۸ - ۵۷ قبل از میلاد) (شکل م) - چهره او کمی فرجه بینی اش راست و کوتاه، چشمها بسیار درشت و لب بالایش خوش ساحت و بالای آن بروت نازکی بنظر میرسد. لباس دراز، بقامتش چسبیده و شکمش را برجسته نشان میدهد. چین های لباس بصورت چین های حقیف مخصوصاً در حقه زیرین لباس که عثرین باکناره ساده مرکب از سر وارید های درشت است نمودار و حاشیه مروارید منبور بصورت دوردیف عمودی بطرف راست و چپ سر بالا امتداد یافته. کمر بند دو سرته دور بدنش دور خورده و دور دوم آن قدری پائین افتاده بنظر می رسد که پائین افتادگی مذکور باثر محکم شدن دوشی لنگر دار میباشد: یکی خنجر کوتاهی که تیغ صریض، و دیگر شمشیریکه دسته درازی دارد. شخص موصوف گلو بند سر وارید و یک

(۱) بررگی مجسمه کوچک: - بلندی کل بدن ۲۱ ر. ، بلندی سر ۴۵ ر. ، بلندی لباس

۱۱۳۵ ر. و بلندی موزه ها ۲۸ ر. متر .

(۲) شمشیر از همان قسمی است که در دست جوان پالمی رینی تاجدار میباشد که در یکی از

حجاریهای برجسته مقام پالمیر (سوریه) بواسطه موسیو روستوتزف کشف شده ملاحظه شود،

کتاب I. Rostovtzeff: Dura and the problem of the Parthian Art

تالیف موسیو روستوتزف شکل ۵۱ (طبع جدید بر ای مطالعات مدارس جلد ۵ منتشره از طرف

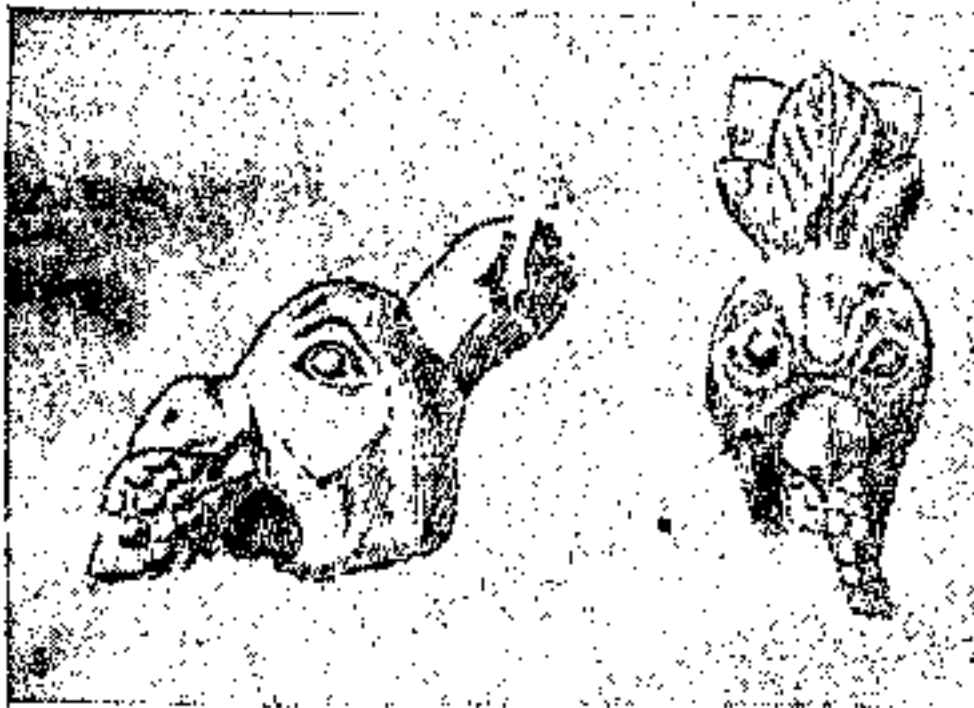
پل یونیورسیتی برس ۱۹۲۵)

## آثار عتیقه کوتل حیرخانه ( ۲۹ )

آویزه بر روی سینه خود دارد که نشان بیضاوی شکلی در آن بسته است . شلوار این شخص مثل ( برچس ) در حصه ران ها قدری برآمدگی داشته ، نوایم های آن در زیر موزه ها پنهان شده که در موزه های مذکور خطوط عمیق افقی متوازی بنظر می رسد . موزه هایش چنان معلوم میشود که بزحمت درپاوش خارجی ( مثل کلوکس که مسیح در آن داخل میشود ) داخل وبواسطه نوار هائی که نوک های آن بد و طرف آویخته است ، در حصه پشت پای محکم شده . در دست راست خود ( که شکسته ) ، تاج فیته داری را گرفته بوده که بحضور شخصیت بزرگ مجاور خویش تقدیم میگردد است فیته گل دار دراز آن هنوز هم وضوح دیده میشود . نشانه نقوش سرخ در لباس و نقوش آبی روی موزه ها حصه بحصه بنظر می رسد . شخص موصوف تاج را بواسطه این فیته که بان وصل بوده محکم گرفته بوده در پشت سکه های سلاطین ( پارت ) شکل همین قسم اشخاص دیده میشود که تاجهای فیته دار را به بزرگان مذهبی تقدیم میکنند ( مسکوکات ولوژز اول ( ۵۱ - ۷۷ - ۷۸ میلادی ) و لوژز پنجم ( ۲۰۷ یا ۲۰۸ - ۲۲۱ یا ۲۲۲ میلادی ) (۱) مجسمه کوچک مزبور با وجود اینکه تناسب آن قسری کلفت است ، باز هم از نقطه نظرفن ، چنان يك نمونه کاملی را ارائه می کند که مهارت تردید ناپذیر استادان آن نطقه را اثبات کرده ، تصویر سازی های خشن دیگر حجاری که بالای سنگ سلیت تصویر کشیده اند خیلی از آن عقب مانده است .

در جمله دیگر آثار مکتشفه از کوتل حیرخانه يك تکه سنگ مرمر کوچکیکه سر پرنده نول چنگی را نمایش می دهد ، لائق آنست که بصورت علیحده تفکار کرده شود ( شکل ل ) ابعاد آن بسیار کوچک بوده ( بلندی ۳۶ . ر . ، طول ۱۷ . ر . ، ضخامت

(۱) فانتجینیکه که در پشت بعضی از مسکوکات هندی و پارتی ( اندو پارت ) مثل مؤسس آزس کوند و فارنس ، اوتها گنس - یا کورس وغیره نقش شده ، آن ها نیز همین قسم تاجهای فیته دار را در دست دارند ، این نمونه بعد ها از طرف ساسانی ها نیز معمول گردیده ( ملاحظه شود فانتجین طاق پستان ) .



( شکل ل )

انتهائی ۹ متر ( هنوز  
نقوش آبی رنگ ،  
یکمال وضوح در آن دیده  
میشود ، این سر پرنده  
از حد شروع گردن ،  
شکسته ، در نول خود که  
نسبت به نول طوطی  
درازتر است ، یک شی را  
محکم گرفته که مرکب از  
اجسام مدور خوردخورد

بهم چسبیده ( یادانه یا مروارید ) میباشد. در فرق سرش که خیلی مدور بنظر می آید ، یک قسم  
تاج دیده میشود که از اجتماع پنج دانه پرخوش ساخت تشکیل یافته و همین تاج خصوصیت  
مهم آن بشمار میرود . باید بخاطر گرفت که همین قسم پرنده نول چنگ و دارای تاجیکه  
در قسمت مدور سر آن واقع شده ، در حقیقت جزء تزئینات قسمت آخر گلو بند های  
مخصوصی بوده ( شکل م ) که شاه اورودس از سلاله از اشکانی ها یا ساسانی های آسیای  
مرکزی ( ۵۷ - ۳۸ یا ۳۷ قبل از میلاد ) استعمال میکردند است . مسکوکات چهار  
گوشه نقره ئی ژ - مورگان انتشار داده ( شکل م ) ( ۱ ) و نیز همین قسم مرغها ، در  
تزئینات تاج بعضی ( بودیزا تو ) های آسیای مرکزی - بمشاهده میرسد ( سوباشی  
هیئت پول پیلو فرانسوی ) ( شکل ن )

دیگر اشیائی که از کوتل خیرخانه کشف شده بقرار ذیل است : -

( ۱ ) رساله مسکوکات شرقی در قدیم وقرون وسطی اثر ژ - مورگان - پاریس ۱۹۲۴ -

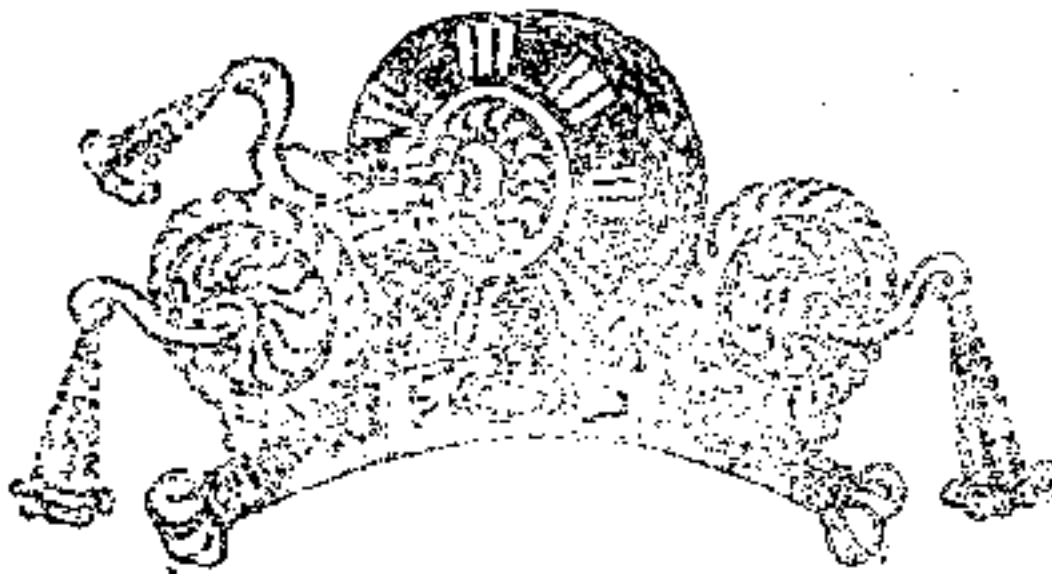
جزوه ۱ - صفحه ۱۵۸ شکل ۱۶۱ .

J.de Morgan, Manuel de numismatique orientale de l'antiquité  
et du Moyen Age.



( شکل م )

حالانکه آنچه پیشتر به تفصیل ذکر کردیم عبارت از نقوذ صنایع بومی بود که بطور واضح



( شکل ن )

قدیمی هلمند، قندهار و غزنی سرایت کرده بود. این علاقه جات و این شهرها که در بسط و انتشار نقوذ تمدن بومی و یونانی سهم مهمی داشته اند باید اینها هم به مانند بلخ توجه علمای

( آنها )

(۱) يك پارچه سنگ مرمر که حالت نور و نوك فیته را نشان می دهد که دارای خطوط عمودی است ( تصویر ۳۲ - ۳۳ )

(۲) يك پارچه سنگ سلیت مدور که تزئینات مار پیچی بشکل گلهای خمیده و مرغابی ها در حال پرواز بر آن نقش شده است ( تصویر ۳۳ - ۳۴ )

اینها که گفتیم کم کم خاطره های عصر پارت ها را در بردارد

تری بمقابل بیننده جلوه میکند. راه انتشار این صنایع طبعاً عبارت از همان راهی بوده که سابقاً بوسیله آن تاثیرات مزبور، به شهر های مخر و به سیستان و مزلگا های

عتیقه شناسی را بسوی خود جلب کنند.







سيد قاسم رشتيا  
S. Kassêm Reshtia



موسيو ژورف هاكن  
M. J. Hackin

## غلطنامہ

صفحہ	غلط	سطر	صفحہ
صحیح	کرتل	سر صفحہ	۵
کوئل	۵۶	»	»
۱۵	» دکہ	سطر آخر پاورقی	۲۰
» دکہ	Under	» » »	۲۵
Under	Detesof	پورقی	۳۶
Dates of	A nual	»	»
Annual	صحیح	سطر ۲ پاورقی	۳۷
صحیح	Uhumara	ما قبل آخر پاورقی	»
Bhumara	صفحہ ۳ ہمین کتاب	آخر پاورقی	۴۲
صفحہ ۵۳ اصل			
کتاب ( و در ترجمہ			
فارسی صفحہ ۴۶ )			

